

عربستان، اختلاف 2 نسل از شاهزاده‌ها



عربستان سعودی به عنوان بازیگری به دنبال افزایش نقش در غرب آسیاست که نفت رکن اصلی و سنگ بنای اقتصاد و توسعه داخلی آن محسوب می‌شود. از این رو نوسانات قیمت جهانی نفت یا تحولات مرتبط و تأثیرگذار بین‌المللی، مقامات سعودی را به فکر چاره‌ای به منظور برون‌رفت از وضع موجود واداشته است.

به گزارش آران نیوز: نتیجه این تحول‌خواهی در حوزه اقتصاد، برنامه چشم‌انداز 2030 عربستان بوده است که مسئولان سعودی مانور زیادی روی نتایج مطلوب آن داشته و اهداف کلانی را برای آن ترسیم کرده‌اند. اما به‌رغم تشویق دولت عربستان از سوی مؤسسات مالی بین‌المللی، اجرای موفق سند چشم‌انداز 2030 با چالش‌های جدی منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه است.

از سال 2014 آمار بیکاری در این کشور افزایش یافته، خدمات دولتی و یارانه‌ها کاهش پیدا کرده و حقوق‌های اندک نیز نارضایتی کارمندان را به‌دنبال داشته است. در همین رابطه مطالبی لازم به ذکر است:

اول: بتازگی در عربستان با الگو گرفتن از شروع اعتراضات در فضای مجازی اجتماعی در تونس و مصر، جنبشی با عنوان 15 سپتامبر در راستای اعتراض به وضع اشتغال و بیکاری، خدمات عمومی و حقوق و مزایا در حال شکل‌گیری است که البته بندهای شش‌گانه آن پر است از استثنائاتی که حکایت از یک ترس و وحشت نهادینه‌شده در فضای اجتماعی عربستان دارد. نبود قاطعیت و تهور در اعلام اعتراض از یک‌سو نمایانگر واقعیت تلخ پاسخگویی با آهن و آتش به هرگونه اعتراض در عربستان بوده و از سوی دیگر ناامیدی و اطمینان نداشتن بنیان جنبش به پاسخ مثبت جامعه سنتی عربستان به فراخوان اعتراضی هر چند مسالمت‌آمیز و به‌صورت مجازی یا با تجمع محدود را می‌رساند.

دوم: امروزه همه فضای داخلی عربستان و همچنین فضای منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به اختلافات بین نسل جدید شاهزاده‌های این کشور بر سر قدرت و نحوه مدیریت این کشور اذعان دارند. تصمیمات خودسرانه ولیعهد جوان عربستان، محمد بن سلمان و در رأس آن جنگ یمن سبب شده است تا برای اولین بار اعلام نارضایتی شاهزادگان سعودی از عملکرد وی علنی شده و به‌صورت عینی نمود پیدا کند. اما اخیراً خبرهایی به گوش می‌رسد که محمد بن سلمان، دامنه خفقان را حتی به خانواده آل‌سعود نیز گسترش داده و با برخورد قهری، برخی شاهزاده‌های مخالف را از کاخ‌هایشان بیرون کشیده و به مکان‌های نامعلوم منتقل کرده است. در برخورد با اعتراضات و ناآرامی‌های شرق عربستان که شیعیان در آن خواهان حقوق سیاسی اولیه خود بودند نیز امروزه برخورد حاکمان سعودی در حد یک جنگ تمام‌عیار نمود پیدا کرده و یک بحران انسانی را با کشتار، دستگیری، اعدام و تخریب خانه‌ها رقم زده و ساکنان اصیل منطقه را در مقابل دو راهی مرگ یا کوچ اجباری به مناطق از پیش تعیین شده قرار داده است. با این اوصاف و با خفقان و محدودیت‌های شدید رسانه‌ای و در کنار آن فضای سنتی و بسته اجتماعی و همچنین عدم اعمال فشار قدرت‌های تأثیرگذار فرامنطقه‌ای به دولتمردان عربستان به‌خاطر روابط پرسود اقتصادی و تجاریشان با این کشور، به نظر می‌رسد توقع این که جنبش اعتراضی 15 سپتامبر سرعت به انسجام و هماهنگی مطلوب رسیده و به‌صورت یک چالش جدی و لاینحل برای حاکمان سعودی بدل شود چندان واقع بینانه نخواهد بود.

سوم: آنچه مسلم است در عربستان نارضایتی عمومی وجود دارد، این اعتراضات نیز به‌دلیل نبود رسانه‌های آزاد بیشتر از طریق فضای مجازی نمود می‌یابد. اما نباید از نظر دورداشت که موفقیت اعتراضات مدنی همیشه در گرو حضور و همراهی عموم جامعه خواهد بود که تحقق این امر در جامعه عربستان نیازمند یک فرهنگسازی و خروج از حالت بسته و سنتی فعلی است که موفقیت آن بسیار زمانبر و طولانی خواهد بود.

بهمن شمسی